

۲. بررسی تأثیر دینداری اسلامی

بر شکل‌گیری فرهنگ نوع‌دوستی*

□ جابر میرزاپوری^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر دینداری اسلامی بر شکل‌گیری فرهنگ نوع‌دوستی در جامعه ایران تدوین شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که چرا و چگونه، دینداری اسلامی بر شکل‌گیری فرهنگ نوع‌دوستی تأثیر می‌گذارد؟ از روش اسنادی و پیمایش^۲، با ابزار فیش‌برداری و پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل موضوع استفاده شده است. تحلیل و بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که اسلام با قابلیت تولید فرهنگ مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای انسان‌دوستانه، موجب افزایش هنجارمندی، اعتماد اجتماعی، اثربخشی، مسئولیت‌پذیری و نهایتاً رفتار انسان‌دوستانه نسبت به هم‌نوعان می‌گردد. یافته‌ها بیانگر آن است که میان میزان دینداری و نوع‌دوستی، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد، به این معنا که با افزایش (یا کاهش) دینداری، میزان نوع‌دوستی در افراد، افزایش (یا کاهش) می‌یابد. همچنین میان دینداری با دو بُعد نگرشی و رفتاری نوع‌دوستانه نیز، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. براین اساس، همراه

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۴.

۱. دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول).

Mirzapouri_j@yahoo.com

2. Survey.

با افزایش و گسترش دینداری اسلامی، فرهنگ نوع‌دوستانه در جامعه اسلامی گسترش خواهد یافت.
واژگان کلیدی: دینداری، اسلام، نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری، انسان‌دوستانه.

الف. طرح مسأله

نوع‌دوستی^۱ یک مفهوم نوظهور در علم جامعه‌شناسی و یک واقعیت اجتماعی به بلندای تاریخ بشر است. نوع‌دوستی به عنوان یک رفتار اجتماعی، تحت تأثیر سطوح مختلفی از متغیرهای محیطی مانند خانواده، همسالان، محله، ارزش‌های دینی، فرهنگ و قوانین قرار می‌گیرد (محمدی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۲، ۵۸۶). دین به عنوان یک عنصر فرهنگی، قابلیت تولید دیگر عناصر فرهنگی مانند باورها، هنجارها، ارزش‌ها و ... را نیز دارد. لذا در صورت توصیه محتوای دینی به رفتار نوع‌دوستانه، دین امکان فرهنگ‌سازی مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های منتج به رفتار نوع‌دوستانه را خواهد داشت.

اگرچه نظریه‌های نوع‌دوستانه، غالباً سه مبنای کنش‌گریزی (نظریه تکاملی)، هزینه - پاداش (نظریه تبادل) و احساس همدردی و دلسوزی (نظریه احساس همدردی - ایثارگری) را مورد توجه قرار داده‌اند (بردستانی، ۱۳۸۳)؛ اما مبنای نوع‌دوستی در منابع اسلامی، متفاوت است. بر پایه رویکرد اسلامی، توجه به هم‌نوع با هدف کسب منفعت یا توقع بازگشت محبت نیست، بلکه تنها با انگیزه قرب الهی صورت می‌پذیرد.

بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد که، نوع‌دوستی یک شرط اساسی در دینداری و گاهی هم‌تا با کل دینداری در نظر گرفته شده است (حیدری و موسوی، ۱۳۸۹). در اسلام بر فردگرایی، به همراه مسئولیت اجتماعی نوع‌دوستانه تأکید شده است. افراد ضمن بهره‌مندی از برخی مراتب آزادی، نسبت به اطرافیان و هم‌نوعان مسئولیت دارند. اسلام ضمن مخالفت با فردگرایی افراطی لیبرالیستی و جمع‌گرایی افراطی مارکسیستی، بر حقوق افراد و تأمین مصالح اجتماعی تأکید دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷).

تقدم فرد بر جامعه در فردگرایی لیبرالیستی، موجب می‌گردد تا اساس هویت،

1. Altruism.

جدایی و تمایز هر فرد از دیگری قرار گیرد. در چنین جامعه‌ای، مشارکت، زندگی جمعی و مناسبات اجتماعی اهمیتی ندارند. لذا در فردگرایی لیبرال، زمینه‌ای برای مصالح عمومی و اجتماعی باقی نمی‌ماند و لیبرالیسم ضد جمع‌گرایی است (شاکرین، ۱۳۸۹). در جامعه ایران برخلاف جوامع لیبرالیستی، جمع‌گرایی و حس نوع‌دوستی به دلیل سابقه تاریخی - فرهنگی و توصیه‌های فقهی - اخلاقی اسلام، یک ارزش اجتماعی محسوب می‌گردد.

نتایج پژوهش‌ها بیانگر آن است که با توجه به نرخ بالای وقوع حوادث طبیعی و غیرطبیعی در ایران (صدیق سروستانی و عنبری، ۱۳۸۳، ۸۲) حس نوع‌دوستی نسبت به وقایع و فجایع کلان مانند وقوع زلزله، جنگ و... بالا است، ولی حس انسان‌دوستانه در روابط روزمره اجتماعی، به خصوص در جامعه شهری در حال افول است (محسنی، ۱۳۷۹، ۳۱۳؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ۹۶). از آنجایی که مسئله اجتماعی، حاصل ناهمخوانی و ناهماهنگی میان امر ذهنی^۱ و امر عینی^۲ در یک محدوده زمانی و مکانی است، افول حس نوع‌دوستی (امر عینی) در ایران، به دلیل مغایرت با ارزش اجتماعی (امر ذهنی) به عنوان یک مسئله اجتماعی محسوب می‌گردد. همچنین به دلیل اینکه شکل‌بندی و ساختار هر جامعه، به ماهیت و شکل کنش اجتماعی افراد بستگی دارد و کنش‌های انسانی از وضعیت فعال تا غیرفعال طیف‌بندی می‌گردند، افول حس نوع‌دوستی، موجب اختلال در شکل‌گیری یک جامعه فعال می‌گردد.

منابع تولید ارزش‌ها و هنجارهای مبتنی بر نوع‌دوستی در جامعه، متنوع و متکثر هستند. در ایران، دین علاوه بر کارکرد استحکام و تثبیت در ذهنیت و گرایش‌های عمومی جامعه، واجد کارکردهای مستقیم و غیرمستقیم در حوزه‌های فردی و اجتماعی مانند فرهنگ، سیاست، روابط اجتماعی، خانواده، اوقات فراغت و... نیز است (افشانی و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۶۲)؛ لذا اسلام به عنوان یک منبع قدرتمند تولید ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، توانمندی بالقوه‌ای برای شکل‌دهی و گسترش حس نوع‌دوستانه در جامعه ایران دارد.

1. Subjective.

2. Objective.

با توجه به سابقه دینی جامعه ایران، گستره نهاد قدرتمند دین و قابلیت‌های معرفتی اسلام در شکل‌بندی کنش‌های اجتماعی انسان‌دوستانه، انتظار می‌رود تا روح دگرخواهانه و رفتارهای مبتنی بر منافع جمعی در ایران فراگیر باشد. نتایج پژوهش معیدفر و دربنی (۱۳۸۵) نشان داده است با افزایش دینداری، نگرش جمع‌گرایانه نیز افزایش خواهد یافت. مطالعه گریلی^۱ (۱۹۹۷) نیز بیانگر آن است در کشورهای با سطح پایین دینداری، سطح سرمایه اجتماعی، مشارکت و اعتماد اجتماعی نیز پایین است.

اگرچه برخی پژوهش‌ها، نشان از سطح مطلوبی از حس نوع‌دوستی در ایران دارد (احمدی، ۱۳۸۸)؛ ولی برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به دلیل شهرنشینی و گسترش عقلانیت مبتنی بر فردگرایی و تحلیل هزینه - پاداش، مشارکت‌های نوع‌دوستانه در جامعه ایران در حال افول است (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸؛ ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹؛ سفیری و صادقی، ۱۳۸۸؛ عبداللهی، ۱۳۸۳؛ یزدان پناه، ۱۳۸۶). این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که قدرت اثربخش اسلام در ایجاد کنش‌های نوع‌دوستانه در ایران، تحت تأثیر متغیرهایی مانند فردگرایی، بی‌هنجاری، بی‌اعتمادی و ... منتج از فرایند مدرنیزاسیون گذشته است (میرزاپوری، ۱۳۹۴؛ صداقتی‌فرد، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، دلایل و زمینه‌های کاهنده حس نوع‌دوستی، قدرت مؤثر اسلام در ایجاد کنش‌های انسان‌دوستانه را تحت تأثیر منفی قرار داده است.

حال این مسئله مطرح می‌گردد که با توجه به گسترش شهرنشینی و روند توسعه مبتنی بر مدرنیته در ایران، آیا توصیه اسلام در انجام کنش‌های انسان‌دوستانه، موجب شکل‌گیری فرهنگ نوع‌دوستی در شهر بابل شده است؟ چه ارتباطی میان دینداری افراد و حس انسان‌دوستانه در شهر بابل وجود دارد؟ آیا با افزایش دینداری، گستره فرهنگ مبتنی بر نوع‌دوستی در شهر بابل افزایش می‌یابد؟ آیا اهتمام به دینداری، تأثیری در گسترش فرهنگ نوع‌دوستی در شهر بابل دارد؟ آیا دینداری اسلامی، دلایل و محرک‌های ارزشی و هنجارمند کافی برای پرداخت هزینه‌های منتج از کنش‌های دگرخواهانه را در اختیار انسان می‌نهد؟ به عبارتی، آیا کسانی که دیندارتر هستند، حس از خودگذشتگی و ایثار قوی‌تری برای نادیده انگاشتن منافع فردی به نفع دیگران دارند؟

1. Greeley.

ب. سؤالات تحقیق

- سؤال اصلی تحقیق این است که چرا و چگونه، دینداری اسلامی بر شکل‌گیری فرهنگ نوع‌دوستی در جامعه تأثیر می‌گذارد؟
- برای پاسخ‌گویی به این سؤال، پاسخ‌گویی به چند سؤال فرعی قابل توجه است؛
۱. آیا میزان دینداری اسلامی، بر نگرش افراد به نوع‌دوستی تأثیر می‌گذارد؟
 ۲. آیا میزان دینداری اسلامی، بر رفتار افراد به نوع‌دوستی تأثیر می‌گذارد؟
 ۳. چگونه میزان دینداری اسلامی بر نگرش و رفتار افراد به نوع‌دوستی تأثیر می‌گذارد؟
 ۴. چرا و چگونه دینداری اسلامی بر شکل‌گیری فرهنگ نوع‌دوستی در جامعه تأثیر می‌گذارد؟

ج. چارچوب نظری

آگوست کنت به عنوان اولین متفکر به کار گیرنده‌ی واژه‌ی نوع‌دوستی، بر دو انگیزه‌ی معطوف به منافع فردی و معطوف به منافع جمعی در انسان تأکید دارد. از نظر وی، نوع‌دوستی شالوده‌ی زندگی اجتماعی است (اسکات و سگلو، ۲۰۰۷، ۱۵). دورکیم نیز در تحلیل رفتارهای نوع‌دوستانه به خودکشی نوع‌دوستانه، منتج از افزایش انسجام اجتماعی اشاره دارد و نوع‌دوستی را اساس زندگی اجتماعی می‌داند (بیلیاوین و چارنگ، ۱۹۹۱). سی‌رایت میلز معتقد است به دلیل اینکه نوع‌دوستی به عنوان یک ارزش و تکلیف اخلاقی در اجتماع مطرح می‌گردد، کاهش آن در جامعه یک مسئله‌ی اجتماعی (الوال، ۲۰۰۲، ۶۲) به‌ویژه در جوامع شهری محسوب می‌گردد (آرونسون، ۲۰۰۲، ۳۹۸).

نظریه‌های کارکردی مانند دورکیم، یینگر، برگر و آدی با تأکید بر مفهوم انسجام، نظم و وفاق به رابطه‌ی میان دینداری و جدائی فرد از اجتماع تأکید کرده‌اند (سراج‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۰۷). دین به عنوان مهم‌ترین گنجینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (پاتنام، ۲۰۰۰، ۴۶)، موجب روابط مطمئن و مسئولیت‌پذیر میان اعضای خانواده خواهد شد (همیلتون، ۱۳۸۷، ۱۷۸). دین به مثابه‌ی یک نظام اعتقادی و الگوهای رفتاری، در سراسر تاریخ یکی از مؤثرترین دژهای بشر در برابر بی‌هنجاری بوده است (همیلتون، ۱۳۸۱، ۲۸۲). دین با قدرت تولید ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی (کلمن، ۱۹۸۸)، سبب خلق هویت ثابت و ایجاد روابط

مداوم، غیرحساب‌گراانه و هنجارین در اجتماع می‌گردد (روبرتسون، ۱۹۷۸).
 پیتربرگر معتقد است که مذهب با قدرت معنابخشی جهان، به معنای تفسیر و القای معنای نظم جهان بیرونی برای مؤمنان، موجب حل بحران معنا و ایجاد هنجارهای گروهی و مشروعیت ارزش‌های جمعی است (برگر، ۱۳۸۱، ۷۲). دین با ارائه تبیین‌هایی برای درک جهان و حل مسائل غائی، زمینه وحدت رویه و انسجام عقیدتی را در پیروان آن فراهم می‌نماید. مشروعیت گروه‌ها منوط به مشروعیت بخشی گروه و التزام و ایمان اعضا به گروه است. لذا میان بُعد معنایابی دین و مشروعیت بخشی هنجارها برای پیروی اعضا از آن، رابطه وجود دارد (سراج‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۰۹).

دین، امید و انگیزه عقلانی و احساسی لازم را برای درگیری در امورات اجتماعی، در اختیار انسان قرار می‌دهد. چراکه عدم وجود انگیزه برای آینده، موجب بی‌تفاوتی نسبت به هم‌نوعان خواهد شد (مارش و دیگران، ۲۰۰۷، ۲۱۲-۲۱۰). اگر فرد، معنا و هدف خود را در زندگی از دست بدهد، امکان بیشتری برای تجربه ناکامی، تضعیف و بی‌معنایی فرد در روابط اجتماعی و در نهایت، بی‌تفاوتی نسبت به هم‌نوعان خواهد داشت (کافیلد، ۱۹۸۱).

زیمل معتقد بود با سیطره اقتصاد پولی در شهرهای بزرگ، خودمحموری جایگزین تماس‌های نزدیک و عاطفی شده است (زیمل، ۱۳۷۲). لذا تلاش برای تأمین منافع شخصی، موجب تضعیف روابط عاطفی می‌گردد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹، ۲۰۵). دین زمینه را برای گذر از فردگرایی و توجیه تقدم منافع جمعی بر منافع فردی در موقعیت‌های اضطراری فراهم می‌نماید.

برخی در تبیین رفتارهای نوع‌دوستانه به نقش هنجارهای اجتماعی اشاره دارند و رفتارهای نوع‌دوستانه را ریشه در میزان درونی‌سازی هنجارهای تقابل، انصاف و مسئولیت اجتماعی می‌دانند (مایرز، ۱۹۹۰، ۴۵۲). گولدنر تقابل را یک هنجار اجتماعی و یک قاعده جهانی می‌داند که می‌تواند بر انگیزاننده نوع دوستی باشد. براساس این هنجار، جبران محبت و کمک دیگران با محبت و کمک صورت می‌پذیرد. براساس هنجار انصاف، باید براساس آنچه هزینه کرده‌ایم، منفعت کسب کنیم (ویگینز، ۱۹۹۴، ۳۳۴). در قالب این هنجار، به افراد زحمت کش جامعه که منفعت مناسب را دریافت

نکرده‌اند، کمک می‌کنیم؛ ولی به کسانی که خودشان مسئول گرفتاری خودشان هستند کمک نمی‌کنیم (مقدم ۱۹۹۸، ۳۰۸). مسئولیت اجتماعی، هنجاری است که براساس آن باید به افراد نیازمند کمک، بدون چشم‌داشتی کمک کرد (برکوویتز، ۱۹۷۲). این هنجار برخلاف هنجارهای تقابل و انصاف که دربرگیرنده تحلیل هزینه - پاداش هستند، برانگیزاننده نوع دوستی ناب است.

دورکیم دین را نظامی عقیدتی می‌داند که افراد به وسیله آن، خود را با جامعه هماهنگ کرده و روابط مبهم و صمیمانه خود را از طریق جامعه بیان می‌کنند. دورکیم بر لزوم بسط نظام‌های اعتقادی و دینی، برای کاهش بی‌هنجاری در جامعه تأکید دارد (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸، ۴۸)؛ چراکه التزام به هنجارهای دینی و انجام مناسک مذهبی، در افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنشگران، تأثیر اساسی دارد. دین علاوه بر باورداشت‌ها و مفاهیم، واجد نظامی از کنش و مناسک است (همیلتون، ۱۳۸۱، ۱۷۸-۱۷۶). بینگر، دین را عامل خلق ارزش‌ها و هنجارهای عملی می‌داند (بینگر، ۱۹۷۷، ۶۸). توماس آدی نیز، هنجاربخشی و مشروعیت‌بخشی به هنجارها (نظارت اجتماعی) را از کارکردهای عمده دینی معرفی می‌نماید؛ لذا دینداری باعث خلق هویت ثابت و ایجاد روابط مداوم، غیرحسابگرانه و هنجارین می‌گردد (رابرتسون، ۱۹۷۸، ۳۰۸).

دورکیم دین را واجد نیروی انسجام‌بخش اجتماعی معرفی می‌کند. وی هدف غایی دین را، تقویت انسجام اجتماعی می‌داند تا از رهگذر ارتباط قوی میان مؤمن و خدا، رابطه میان فرد و جامعه نیز تقویت گردد. دورکیم، جامعه را منشأ دین و دین را واجد جنبه الزام‌آور می‌پندارد (دورکیم، ۱۳۸۶). دورکیم علاوه بر عوامل ساختاری، بر لزوم کنترل و الزام‌های درونی از طریق بسط نظام‌های اعتقادی و دینی در جامعه نیز تأکید دارد (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸، ۴۸). داشتن التزام به هنجارهای دینی و انجام مناسک مذهبی در افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنشگران، تأثیر اساسی دارد (همیلتون، ۱۳۸۷، ۱۷۸).

فردگرایی افراطی، شاخصی برای عدم انسجام اجتماعی جامعه مدرن است که دورکیم، امیدوارانه بر روح جمع‌گرایانه تکیه کرده بود. دورکیم، فردگرایی^۱ افراطی را

1. Individualism.

محصول گسیختگی پیوند میان فرد و اجتماع می‌دانست که در این حالت، التزام فرد به هنجارهای اجتماعی - سیاسی تضعیف گردیده و منافع فردی بر منافع جمعی ارجحیت داده خواهد شد (دورکیم، ۱۳۸۷، ۴۱۱). با تجلی فردگرایی و کاهش همبستگی، افراد دچار ازخودبیگانگی و جدایی از هنجارهای اجتماعی می‌شوند (اسلامی بناب، ۱۳۸۸، ۴۶). در چنین شرایطی، همبستگی و وابستگی فرد و جامعه از بین می‌رود و ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، قدرت و نفوذ خود را در جهت حمایت از افراد از دست می‌دهند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷، ۱۲۱). چنین جوامعی در خطر متلاشی شدن هستند، زیرا خطوط راهنما برای اعضا، در نیل به مقاصد مشترک وجود ندارد و اغلب مواقع، احساس جدایی و بی‌جهتی می‌کنند (ستوده، ۱۳۷۳، ۱۳۶).

از دیدگاه دورکیم، دین زمینه را برای خلق ارزش‌ها و هنجارهای انسجام بخش و مسئولیت‌گرایانه اجتماعی افزایش می‌دهد. همزمان با افزایش دینداری در یک جامعه، روح جمع‌گرایانه و نوع‌دوستانه افزایش می‌یابد. این وضعیت، موجب کاهش فردگرایی و بی‌هنجاری و تقویت زمینه‌های مناسب با فعالیت‌های اجتماعی خواهد شد (میرزاپوری، ۱۳۹۶، ۶۵).

گرایش‌های متعددی معتقدند که هنجارهای اجتماعی عمدتاً از مذهب سرچشمه می‌گیرند (کلمن، ۱۹۸۸). ارزش‌های مذهبی موجب تقویت رفتارهای مدنی در انواعی از امور داوطلبانه مانند تشکل‌های داوطلبانه (دینز و کاراتلی، ۱۹۸۰) و مؤسسات خیریه (گرلی، ۱۹۹۷، اسمیت، ۲۰۰۳) می‌شود. نهاد دین با سازوکارهایی، موجب شکل‌بندی روابط مسئولانه میان افراد در جامعه می‌گردد:

- توصیه و تأکید نهادهای مذهبی بر روابط سالم، قابل اطمینان، مثبت و حسنه؛
- ایجاد زمینه‌های لازم برای تقویت تعامل و روابط سازنده میان اعضای جامعه و خانواده توسط سازمان‌های مذهبی؛
- ایجاد پیوند نزدیک میان دوستان و اعضای خانواده در یک گروه همانند (پیرس و آکسین، ۱۹۹۸).

وبر و پارسونز نیز، به نقش دینداری و مذهب در عملکرد افراد و عمل به هنجارها در جامعه تأکید دارند. از این منظر دین با قدرت هنجارساز و تکلیف‌محور مبتنی بر

ارزش‌های اجتماعی، موجب ترغیب افراد به انجام وظائف و مسئولیت‌های اجتماعی می‌گردد. شاید این کارکرد دین، دغدغه و بر در رابطه با خاصیت فردگرایی سازمان‌های بروکراتیک، مبتنی بر کنش عقلانی معطوف به هدف را پاسخ دهد. دین با ساماندهی ارزش‌ها و هنجارها، موجب توسعه کنش عقلانی معطوف به ارزش، مبتنی بر منافع جمعی و در نهایت، افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اعمال نوع‌دوستانه خواهد شد. ماکس وبر کنش عقلانی معطوف به ارزش را در مقابل سه کنش سنتی، عاطفی و عقلانی معطوف به هدف، واجد مسئولیت‌پذیری می‌داند. کنشی که براساس آن هنجار، اخلاق و نوع‌دوستی به عنوان ارزش برجسته محسوب می‌گردد؛ لذا وبر آن را مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مترادف با اخلاق مسئولیت می‌دانست که مهمترین خصلت آن را آزادی فرد عنوان می‌نمود (ترنر و راجک، ۲۰۰۱، ۱۱۴). وی بروکراتیزه شدن فرآیند امور و عقلانی شدن کنش‌ها را، موجب تضعیف احساس مسئولیت نسبت به دیگران و خیر تحلیل می‌کند (کوزر، ۱۳۸۳، ۳۱۸).

پارسونز در طراحی نظام سبیرنتیکی خود، به رابطه دیالکتیکی خرده نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأکید دارد. تحول و تغییر در یک خرده نظام، زمینه‌ساز پویایی دیگر خرده نظام‌ها و نهایتاً کل سیستم می‌گردد. تفکیک و پیدایش تنش در هر مرحله با سازگاری اجزای نظام برای رسیدن به وضعیت تعادل جدید همراه می‌گردد. وی موضوع انسجام اجتماعی را در بررسی ساختی - کارکردی خرده نظام‌های اجتماعی و شخصیتی مورد بررسی قرار می‌دهد. وی انسجام اجتماعی را نتیجه رشد شخصیت و جامعه‌پذیری کودک در فرآیند اجتماعی شدن می‌داند. انسجام اجتماعی، مجموعه‌ای از سازگاری‌هایی است که برای ایجاد شرایط لازم برای بقاء وضع تفکیک یافته تازه، توسط دیگر اجزاء سیستم صورت می‌گیرد تا شرایط لازم برای بقای سیستم به عنوان یک کل پویا، فراهم گردد (پارسونز، ۱۹۵۵، ۲۸).

بدون رشد شخصیت اجتماعی، مشارکت مؤثر، آگاهانه و داوطلبانه تحقق پیدا نمی‌کند. برای ایجاد مشارکت مؤثر، باید نظام تمایلات افراد در فرآیند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به بسط اخلاق مسئولیت‌پذیری، خردورزی، خوداتکایی، فعال‌گرایی، عام‌گرایی و میل به پیشرفت تغییر یابد. وی با تأکید بر اراده‌گرایی بر این باور است که

مردم بدون تابعیت از محدودیت‌های ساختارهای اجتماعی، قادر به شکل‌دهی دنیای اجتماعی خودشان هستند (دشتی، ۱۳۷۶، ۲۳).

پارسونز به ایفای نقش و مسئولیت‌پذیری کنشگران در موقعیت‌های افراد در درون خرده‌نظام‌ها اشاره دارد (توسلی، ۱۳۸۵، ۲۴۰؛ کرایب، ۱۳۸۹، ۵۳؛ چلبی، ۱۳۸۹، ۹۶-۸۶).
عام‌گرایی به عنوان یکی از عناصر ساختی نظام کنش در فرایند انتخاب‌های دوتایی، موجب دوری از خاص‌گرایی و توجه به منافع جمعی و ارزش‌های نوع‌دوستی و نهایتاً مسئولیت‌های اجتماعی خواهند شد (استونز، ۱۳۸۸، ۱۵۷؛ روشه، ۱۳۷۶، ۷۰).

براساس رویکرد تئوریک پارسونز، عدم درونی‌سازی اخلاق مسئولیت‌پذیر و نبود حاکمیت روابط عاطفی در خانواده، سبب شکل‌بندی نظام شخصیتی غیرفعال می‌گردد. شکل‌گیری شخصیت بی‌تفاوت، باعث تضعیف انسجام اجتماعی و اجتناب از اعمال نوع‌دوستانه می‌شود.

اساس اهمیت دین در تأثیرگذاری بر فرایند نوع‌دوستی به تولید ارزش‌های اجتماعی و درونی‌سازی هنجارها طی فرایند جامعه‌پذیری برمی‌گردد. ارزش‌های اجتماعی انگیزه‌ای را برای گرایش‌های اجتماعی (اعمال، ادراکات و عواطف افراد) ایجاد می‌نماید (اگبرن و نیم‌کف، ۱۳۸۰، ۲۰۲). با ارزش تلقی نمودن یک پدیده در یک جامعه، سبب می‌شود آن پدیده به ارزش اجتماعی یا ارزش هنجارشده تبدیل گردد (نولان و لانسکی، ۱۳۸۰، ۵۹۳). هر قدر هنجارهای تقابل و انصاف که در ذات خود، مستلزم نوعی تحلیل هزینه - فایده هستند در افراد بیشتر درونی شوند، باعث گرایش بیشتر به اجتناب از اعمال نوع‌دوستانه خواهند شد؛ در مقابل، درونی‌سازی هر چه بیشتر هنجار مسئولیت‌پذیری، موجب گرایش بیشتر به نوع‌دوستی می‌شود (بیج، ۱۹۹۶).

قدر مسلم این است که میان ارزش‌های اجتماعی و کنش متقابل انسان‌ها، رابطه مستقیمی وجود دارد به طوری که ارزش، نوعی راهنما برای کنش محسوب می‌گردد (گیدنز، ۱۳۷۸، ۴۴). بروم ارزش‌ها را عقاید یا احساس متداولی می‌داند که در قالب اعمال، روابط و اهداف برای سعادت و بهروزی جامعه حائز اهمیت هستند (بروم، ۱۹۶۸، ۵۰۴).

آیات و روایات اسلامی، تأکیدات متعددی را برای مسئولیت انسان در ارتباط با

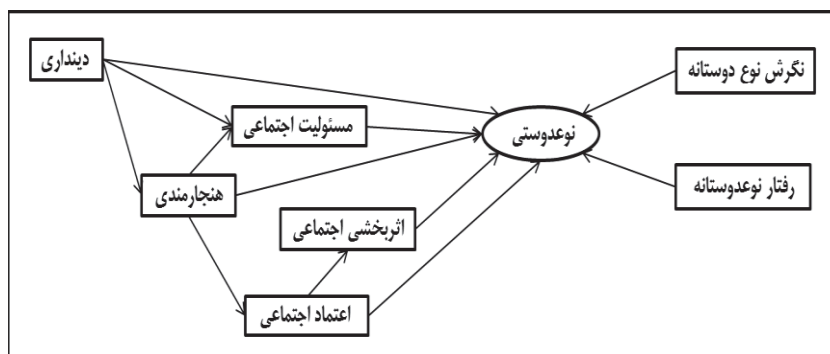
دیگران داشته است. ماهیت بسیاری از ابواب فقهی مانند خمس، زکات، امر به معروف، نهی از منکر و... بر نوع دوستی تأکید دارد. در آیات قرآن به اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است و یکی از نشانه‌های ایمان (توبه، ۱۷) و هم ردیف با نماز و زکات آمده است، به طوری که عاملان به آن را رستگاران دانسته است (لقمان، ۱۷؛ حج، ۴۱؛ نحل، ۹۰؛ توبه، ۱۱۲؛ آل عمران، ۱۱۰). در آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶ سورة اعراف و آیات ۷۸-۷۹ سورة مائده، از نتایج و سرنوشت افراد بی تفاوت سخن آمده است (طباطبایی فر، ۱۳۹۰، ۸۱). بر این اساس، برخی پژوهش‌ها امر به معروف و نهی از منکر را زمینه‌ساز افزایش سرمایه اجتماعی دانسته‌اند (قلی‌زاده و رجیبی، ۱۳۹۲، ۳۱) و این فریضه دینی را یکی از روش‌های مقابله با مفساد اجتماعی معرفی کرده‌اند (طباطبایی فر، ۱۳۹۰، ۷۹).

خداوند در قرآن کریم به پیامبر ﷺ توصیه می‌کند تا بدی‌های دیگران را با نیکوترین خصلت دفع نماید (فصلت، ۳۳). امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام، نمونه نوع دوستی را این گونه معرفی می‌نماید: «چون برادر دینی تو از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی برقرار کن، اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن و چون بخل ورزد، تو بخشنده باش و هنگامی که دوری گزیند، تو نزدیک شو و چون سخت گیرد، تو آسان گیر و به هنگام گناهش، عذر او را بپذیر، چنان که گویی بنده او باشی و او صاحب نعمت تو باشد». اهمیت نوع دوستی در اسلام به اندازه‌ای است که، آن را نشانه عقلانیت و خردورزی دانسته است (مجلسی، ۱۳۷۶). امام علی علیه السلام در حکمت ۱۴۲ فرمودند: «دوستی کردن با مردم، نیمی از خردمندی است».

همچنین توصیه‌های زیادی در توجه به نیازمندان شده است (انسان/۸). به عنوان نمونه، قرآن انسان نیکوکار را کسی می‌داند که مال خود را به دوستان، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان، مسافران، گدایان و دربندماندگان ببخشد (بقره/۱۷۷). پیامبر گرامی اسلام ﷺ مسلمانی را، در خدمت‌رسانی به برادران مسلم و اهتمام در رفع مشکلات آنان دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۶۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۳۷/۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۰۳/۷۴) و بلندمرتبه‌ترین نزد خداوند را نیکوترین در مواسات، کمک‌رسانی و پشتیبانی از دیگران معرفی کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۴۱/۷۲). در جایی می‌فرمایند: همه شما مسئول

(یکدیگر) هستید و از زیر دستانتان بازخواست می‌شوید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۸/۷۲).

امیرمؤمنان علی علیه السلام احسان به مردم را اساس ایمان معرفی کرده است (آمدی، ۱۳۶۶، ۵۲/۴). امام صادق علیه السلام نیز، نیکی به برادران دینی و تلاش و جدیت برای رفع مشکلات آنان در تمام زمینه‌ها و در هر شرایط را برخاسته از ایمان خالص و با ارزش‌ترین کارها دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷۱/۷، کلینی، ۱۳۶۵، ۲۹۱/۲). ایشان کمک‌رسانی در هنگام گرفتاری و نیاز را، وظیفه مسلمانان دانسته است (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۷۵/۲) به طوری که شرط ولایت، توجه به نیازمندی‌های مؤمن است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۷۱/۵۷). این مفاهیم و محتوای دینی اسلام، نشان از قدرت هنجاربخشی و مسئولیت‌بخشی طی فرایند جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت مذهبی است؛ فرایندی که قابلیت بالقوه‌ای را برای نوع‌دوستی فراهم می‌آورد. شکل شماره ۱ مدل نظری پژوهش و چگونگی تأثیرگذاری دینداری بر نوع‌دوستی را نشان می‌دهد.



شکل (۱): مدل نظری پژوهش

براساس تحلیل و بررسی پیشینه و چارچوب نظری پژوهش، فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

فرضیه ۱. به نظر می‌رسد با افزایش میزان دینداری، تمایل به نوع‌دوستی افزایش می‌یابد.

فرضیه ۲. به نظر می‌رسد با افزایش میزان دینداری، نگرش نوع‌دوستانه افزایش می‌یابد.

فرضیه ۳. به نظر می‌رسد با افزایش میزان دینداری، رفتار نوع‌دوستانه افزایش می‌یابد.

د. روش تحقیق

در این پژوهش از روش پیمایش^۱ و ابزار پرسشنامه با سنجه‌هایی از طیف لیکرت برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، همه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر بابل به تعداد ۱۶۵۸۸۱ در سال ۱۳۹۳ است. جمعیت نمونه از طریق فرمول کوکران، ۳۸۵ نفر تعیین شده است که به منظور افزایش دقت نمونه‌ها و کاهش خطای نمونه‌گیری از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای^۲ متناسب، به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. برای اندازه‌گیری اعتبار^۳ از روایی محتوایی^۴ و روایی صوری^۵ و برای تعیین پایایی^۶ از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که میانگین ضریب پایایی ابعاد دوگانه نوع‌دوستی برابر با ۰.۸۵٪ و ضریب پایایی متغیر دینداری برابر با ۰.۷۹٪ محاسبه شده است. دو مفهوم «نوع‌دوستی» به عنوان متغیر وابسته و «دینداری» به عنوان متغیر مستقل پژوهش، نیازمند تعریف مفهومی و معرفی شاخص‌های سنجش‌پذیر است:

«نوع‌دوستی» ترجمه واژه Altruism با ریشه Alter به معنای غیر، دیگر و دیگری گرفته شده و بیانگر رفتاری است که هدف آن نفع‌رسانی به دیگران است (سایمونز، ۱۹۹۱). نوع‌دوستی، رفتارهای مبتنی بر پاسخ مثبت به رفاه و نیازهای دیگران با هدف کمک به آنها است مانند محبت کردن، همکاری، توجه، حمایت، نجات از خطر، سهیم شدن، احساس همدلی و همدردی (رادک-یارو وزن-واکسلر، ۱۹۸۶). در این پژوهش، نوع‌دوستی به معنای علاقمندی و اعتنای آگاهانه فرد نسبت به مسائل محیطی، انسانی و هیجانی حیات اجتماعی است. در واقع، نوع‌دوستی نوعی احساس اتصال و پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان فرد و دیگران در عرصه اجتماعی است. براین اساس، نوع‌دوستی به معنای علاقه و اعتنا نسبت به کنش‌های مشارکتی

1. Survey.
2. Stratified sampling.
3. Validity.
4. Content Validity.
5. Face Validity.
6. Reliability.

مبتنی بر اعمال نوع‌دوستانه و اولویت منافع دیگران بر نفع شخصی است. افراد در این وضعیت، به مجموعه فعالیت‌ها و کنش‌های مرتبط با نفع دیگران، بدون چشم‌داشت آنی، مبادرت می‌ورزند. شاخصه‌های نوع‌دوستانه در دو سطح نگرش و رفتار در نمونه‌های زیر قابل سنجش است:

- تمایل به دخالت در یک زورگیری یا تجاوز به عنف؛
- تمایل به یاری‌رسانی به نیازمندان مالی و مستمندان؛
- تمایل به همیاری و دستگیری به آسیب‌دیدگان در وقایع روزمره مانند تصادفات جاده‌ای، بیماران و ...
- کمک‌رسانی به سیل‌زدگان و زلزله‌زدگان؛
- پیگیری برای یافتن درماندگان و نیازمندان مالی در میان همسایگان و هم‌نوعان؛
- تمایل به اهداء خون به نیازمندان و بیماران خونی و ...

«دینداری»^۱ واقعیتی اجتماعی و سنجش‌پذیر است. دینداری به عنوان یک واقعیت متدرج و متنوع با توجه به تأکیدات سنت دینی بر جنبه‌هایی از ابعاد دینداری، اشکال خاصی را به خود می‌گیرد (شجاعی زند، ۱۳۸۴، ۳۷). امروزه محققان علوم اجتماعی دریافته‌اند که دین و بالتبع دینداری، پدیده‌ای چند بعدی است، به طوری که ابعاد در نظر گرفته شده برای دینداری بین ۲ تا ۱۳ بُعد (اکثریت ۴ تا ۶ بُعد) در نوسان بوده است (هیل و هود، ۱۹۹۹، ۲۶۹). دینداری به معنای داشتن اهتمام دینی است به نحوی که مطابق با انتظارات دینی، نگرش، گرایش و کنش‌های افراد را متأثر سازد (شجاعی زند، ۱۳۸۴، ۳۶).

دینداری در این پژوهش در پنج بُعد اعتقادی^۲، ایمانی^۳، اخلاقی^۴، عبادی^۵ و تکلیفی^۶ مورد سنجش قرار خواهد گرفت. بُعد اعتقادی به عنوان بُعدی ذهنی، به باور و تفکر هستی‌شناسی فرد در مورد شاخصه‌های اصول دین (خداوند، پیامبر ﷺ، ائمه علیهم‌السلام،

1. Religiosity.
2. Belief.
3. Faith.
4. Moral.
5. Devotion.
6. Duty.

معاد و عدل الهی) مطرح است. بُعد ایمانی به عنوان بُعدی روحی و عاطفی، به اهتمام و تعلق قلبی افراد به اعتقادات دینی در عملکردهای زندگی روزمره افراد اشاره دارد. بُعد اخلاقی به عنوان بُعد نیکوئی‌شناسی، به توصیه‌های منابع دینی در رعایت فضائل و اجتناب از رذائل اخلاقی - رفتاری مربوط می‌شود. بُعد عبادی، به مجموعه عملکردهای مرتبط با عبودیت و بندگی خداوند با هدف پرستش خداوند (به صورت فردی و جمعی) اطلاق می‌شود. بُعد تکلیفی، به مجموعه توصیه‌های مذهبی مرتبط به جایگاه و تعامل انسان برای زیستن در جامعه اشاره دارد.

برای تعیین میزان متغیر دینداری، سنجه‌های ابعاد پنجگانه در هم جمع شده‌اند. جدول شماره ۱، ابعاد، شاخصه‌ها و سنجه‌های دینداری را نشان می‌دهد. برای سنجش دینداری از شاخص محقق ساخته و متشکل از ۱۱ گویه در مقیاس لیکرت بهره گرفته شده است.

جدول (۱): معرفی ابعاد، شاخصه‌ها و سنجه‌های دینداری

متغیر مستقل	ابعاد	شاخصه‌ها	سنجه‌ها
دینداری	اعتقادی	- باور به اصول دین	- خداوند حاضر و ناظر اعمال مان است.
	ایمانی	- اهتمام قلبی و روحی	- به قیامت و رسیدگی اعمال معتقدم.
	اخلاقی	به اعتقادات	- در سختی‌ها و مشکلات، با یاد خدا آرام می‌شوم.
	عبادی	- رعایت فضائل و رذائل رفتار دینی	- با یاد خدا و عذاب اخروی، از گناه دوری می‌کنم.
	تکلیفی	- اهتمام به فرائض دینی	- سعی می‌کنم از دروغ، تهمت و غیبت دوری کنم.

- رعایت هنجارهای دینی در تعاملات اجتماعی - همیشه نماز می‌خوانم. - اگر عذری نداشته باشم در ماه رمضان روزه می‌گیرم. - قرآن و ادعیه می‌خوانم. - در مراسم مذهبی (روضه، عزاداری، سفره، مولودی و...) شرکت می‌کنم. - از ارتباط غیر شرعی (مانند خنده و شوخی با نامحرم) دوری می‌کنم. - بخشی از مال خود را به عنوان خمس و زکات پرداخت می‌کنم.	
--	--

۵. یافته‌ها، و تجزیه و تحلیل

جدول شماره ۲، آماره‌های توصیفی مربوط به دینداری را نشان می‌دهد. نمره دینداری حاصل جمع یازده سنجه در طیف لیکرت است که حداقل و حداکثر نمره پاسخ‌گویان در آن، برابر با ۱۱ و ۵۵ در نظر گرفته شده است. براساس داده‌های جمع‌آوری شده که در جدول شماره ۲ گزارش شده است، حداقل و حداکثر نمره‌های کسب شده پاسخگویان در دینداری به ترتیب برابر با ۲۱ و ۵۵ است. همچنین میانگین نمره پاسخ‌گویان در این متغیر برابر با ۴۵/۲ است.

جدول (۲): آماره‌های توصیفی مربوط به دینداری به عنوان متغیر مستقل پژوهش

میانگین	اشتباه معیار از میانگین	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره
۴۵/۲	۳۸٪	۷/۶	۵۸	۳۴	۲۱	۵۵

براساس جدول شماره ۳، میزان دینداری شهروندان بابل را در سه سطح پایین، متوسط و بالا را نشان می‌دهد. براساس داده‌های این جدول، ۸/۱ درصد واجد دینداری در سطح پایین، ۲۷/۹ درصد واجد دینداری در سطح متوسط و ۶۴ درصد واجد دینداری در سطح بالا هستند. براساس یافته‌های این جدول، سطح دینداری شهروندان بابل در سطح بالایی قرار دارد.

جدول (۳): توزیع فراوانی و درصد نمرات دینداری

میزان دینداری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
دینداری پایین	۳۱	۸/۱	۸/۱
دینداری متوسط	۱۰۷	۲۷/۹	۳۶
دینداری بالا	۲۴۷	۶۴	۱۰۰
جمع	۳۸۵	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۴، میزان نوع دوستی شهروندان بابل را در سه سطح بالا، متوسط و پایین نشان می‌دهد. براساس داده‌های این جدول، ۶۰ درصد نوع دوستی بالا، ۳۶/۴ درصد نوع دوستی متوسط و ۳/۶ درصد نوع دوستی پایینی دارند. همچنین حدود ۹۶/۴ درصد از جمعیت دارای سطح نوع دوستی متوسط روبه بالایی هستند که نشان می‌دهد نوع دوستی شهروندان بابل در سطح بالایی قرار دارد.

جدول (۴): توزیع فراوانی و درصد نمرات نوع دوستی

میزان نوع دوستی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
نوع دوستی بالا	۲۳۱	۶۰	۶۰
نوع دوستی متوسط	۱۴۰	۳۶/۴	۹۶/۴
نوع دوستی پایین	۱۴	۳/۶	۱۰۰
جمع	۳۸۵	۱۰۰	۱۰۰

فرضیه ۱: میان دینداری و نوع دوستی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به کمی بودن متغیرهای دینداری و نوع دوستی، از ضریب همبستگی پیرسون

برای بررسی رابطه میان این دو متغیر استفاده خواهد شد.

جدول (۵): آزمون ضریب همبستگی میان دینداری و نوع دوستی

رابطه میان متغیر مستقل و وابسته	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری sig
آزمون رابطه دینداری و نوع دوستی	۳۸۵	۰/۴۹۰	۰/۰۰۰

جدول شماره ۵، نشان دهنده تحلیل دو متغیره همبستگی میان دینداری و نوع دوستی است. براساس داده‌ها و نتایج این جدول، ضریب همبستگی میان دینداری و نوع دوستی برابر با ۰/۴۹۰ است که بیانگر رابطه‌ای قوی و مستقیم است. به این معنا که با افزایش (یا کاهش) دینداری، میزان نوع دوستی افزایش (یا کاهش) می‌یابد. با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و کوچکتر بودن از ۰/۰۵، فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، به احتمال ۹۹٪ میزان دینداری شهروندان بابل بر نوع دوستی آنها مؤثر است. در راستای تأیید این فرضیه و طرح رابطه آگزیماتیک موقت میان این دو متغیر، می‌توان نتیجه گرفت که:

به هر میزان دینداری افزایش یابد، نوع دوستی افزایش می‌یابد.

فرضیه ۲: میان دینداری و نگرش نوع دوستانه رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به کمی بودن متغیرهای دینداری و نگرش نوع دوستانه از ضریب همبستگی پیرسون، برای بررسی رابطه میان این دو متغیر استفاده خواهد شد.

جدول (۶): آزمون ضریب همبستگی میان دینداری و نگرش نوع دوستانه

رابطه میان متغیر مستقل و وابسته	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری sig
آزمون رابطه دینداری و نگرش نوع دوستانه	۳۸۵	۰/۳۹۳	۰/۰۰۰

جدول شماره ۶، نشان دهنده تحلیل دو متغیره همبستگی میان دینداری و نگرش نوع دوستانه است. براساس داده‌ها و نتایج این جدول، ضریب همبستگی میان دینداری و نگرش نوع دوستانه برابر با ۰/۳۹۳ است که بیانگر رابطه‌ای متوسط و مستقیم است. به این معنا که با افزایش (یا کاهش) دینداری، میزان نگرش نوع دوستانه افزایش (یا کاهش) می‌یابد. با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و کوچکتر بودن از ۰/۰۵، فرض

صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. به عبارتی دیگر به احتمال ۹۹٪ میزان دینداری شهروندان بابل بر نگرش نوع دوستانه آنها مؤثر است. در راستای تأیید این فرضیه و طرح رابطه آگزیماتیک موقت میان این دو متغیر، می‌توان نتیجه گرفت که: به هر میزان دینداری افزایش یابد، نگرش نوع دوستانه افزایش می‌یابد. فرضیه ۳: میان دینداری و رفتار نوع دوستانه، رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به کمی بودن متغیرهای دینداری و نگرش نوع دوستانه از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان این دو متغیر استفاده خواهد شد. جدول (۷): آزمون ضریب همبستگی میان دینداری و رفتار نوع دوستانه

رابطه میان متغیر مستقل و وابسته	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری sig
آزمون رابطه دینداری و رفتار نوع دوستانه	۳۸۵	۰/۵۱۹	۰/۰۰۰

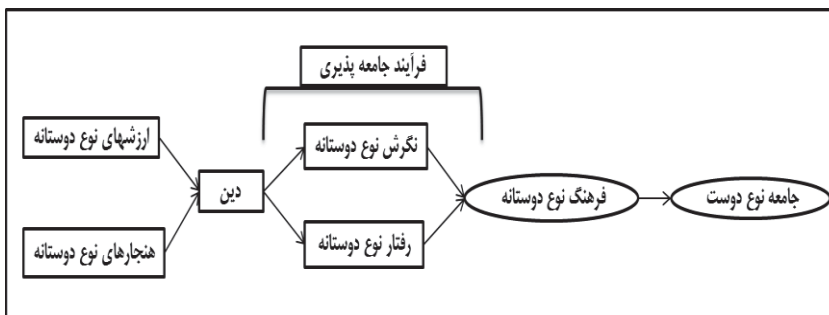
جدول شماره ۷، نشان دهنده تحلیل دو متغیره همبستگی میان دینداری و رفتار نوع دوستانه است. براساس داده‌ها و نتایج این جدول، ضریب همبستگی میان دینداری و رفتار نوع دوستانه برابر با ۰/۵۱۹- است که بیانگر رابطه‌ای قوی و مستقیم است. به این معنا که با افزایش (یا کاهش) دینداری، میزان رفتار نوع دوستانه افزایش (یا کاهش) می‌یابد. با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و کوچکتر بودن از ۰/۰۵، فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، به احتمال ۹۹٪ میزان دینداری شهروندان بابل بر رفتار نوع دوستانه آنها مؤثر است. در راستای تأیید این فرضیه و طرح رابطه آگزیماتیک موقت میان این دو متغیر، می‌توان نتیجه گرفت که: به هر میزان دینداری افزایش یابد، رفتار نوع دوستانه افزایش می‌یابد.

نتیجه گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان دینداری و نوع دوستی در میان شهروندان بابل در سطح بالایی قرار دارد. این میزان بیانگر آن است که سطح بالای میزان دینداری در شهر بابل، زمینه شکل گیری فرهنگ نوع دوستی را به وجود آورده است. این فرایند نشان می‌دهد که دین اسلام با قدرت تولید ارزش‌ها و هنجارهای نوع دوستانه، موجب

جامعه‌پذیری نوع‌دوستانه در جامعه می‌گردد. مبانی و توصیه‌های فقهی - اخلاقی مرتبط با نوع‌دوستی، موجب اتخاذ رویکرد جمع‌گرایانه توسط افراد شده است تا مشارکت‌های مسئولانه و فعالانه‌ای را در ارتباط با اطرافیان داشته باشند.

کسب آموزه‌های اسلامی مبتنی بر نوع‌دوستی از طریق فرآیندهای جامعه‌پذیری مانند خانواده، مدرسه، رسانه و دیگر محیط‌های اجتماعی، موجب گسترش نگرش و رفتار نوع‌دوستانه می‌گردد. با توجه به اینکه فرهنگ براساس آموخته‌ها و اندوخته‌های بشری و تثبیت رفتارهای انسانی در یک جامعه شکل‌بندی می‌گردد، اسلام با ارائه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، موجب ترویج فرهنگ نوع‌دوستانه در جامعه اسلامی می‌گردد. شکل شماره ۲، فرایند انتقال مفاهیم نوع‌دوستانه اسلام را در شکل‌گیری فرهنگ نوع‌دوستانه جامعه اسلامی را نشان می‌دهد.



شکل (۲): فرایند شکل‌گیری فرهنگی نوع‌دوستانه در جامعه اسلامی

تأثیر میزان دینداری بر فرهنگ نوع‌دوستی، هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم، از طریق متغیر مسئولیت اجتماعی، هنجارمندی، اثربخشی و اعتماد اجتماعی صورت می‌پذیرد. این رابطه با نتایج پژوهش‌های پیشین (مانند معیدفر و دربندی، ۱۳۸۵) و نظریه‌های کارکردی مانند دورکیم، بینگر، برگر و آدی به دلیل تأکید بر تأثیر دینداری بر انسجام، نظم، وفاق و عدم جدائی فرد از جامعه منطبق است.

تأثیر مستقیم و با واسطه دینداری نشان می‌دهد که دین با قدرت هنجارساز و تکلیف‌محور مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی، موجب گسترش روحیه جمعی و تحریک احساس نوع‌دوستانه و در نهایت، توسعه کنش‌های فعال انسان‌دوستانه می‌گردد؛ لذا

جامعه‌پذیری دینی با افزایش احساس مسئولیت گرایانه و کاهش بی‌هنجاری در جامعه، زمینه را برای افزایش کنش‌های فعالانه اجتماعی و نوع‌دوستانه فراهم می‌نماید. براین اساس، حضور دین اسلام در جامعه، قابلیت‌های لازم را برای تکامل و توسعه رفتارهای انسان‌دوستانه فراهم می‌آورد، قابلیت‌هایی که حلقه مفقوده جوامع لیبرال غربی است. نتایج این پژوهش نشان از آن دارد که به علت گستره فردگرایی و نفع‌طلبی حاکم بر جامعه مدرن، روند مدرنیزاسیون در جامعه ایران باید با حضور فعالانه اسلام در عرصه فرهنگ‌سازی صورت پذیرد.

کتاب‌شناسی

۱. احمدی، سیروس (۱۳۸۸)، «بررسی نوع‌دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲، تهران.
۲. استونز، راب (۱۳۸۸)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز.
۳. اسلامی‌بناب، سید رضا (۱۳۸۸)، بررسی امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن، رشته پژوهش علوم اجتماعی، تبریز، دانشگاه آزاد.
۴. افشانی، علیرضا و [دیگران] (۱۳۹۰)، «رابطه دینداری با سرمایه اجتماعی در شهر نجف‌آباد»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، تهران.
۵. آگبرن، ویلیام فیلدینگ و مه‌یرفرانسیس نیم کف (۱۳۵۲)، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه ا. ح. آریان‌پور، تهران، دهخدا.
۶. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. بدرا، لوک و [دیگران] (۱۳۸۰)، روان‌شناختی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، تهران، ساوالان.
۸. بردستانی، عذرا (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر باورهای مذهبی بر رفتار نوع‌دوستانه و سازگاری تحصیلی در دانش‌آموزان سال آخر دوره متوسطه، رشته روانشناسی تربیتی، شیراز، دانشگاه شیراز.
۹. برگر، پیتر و [دیگران] (۱۳۸۱)، ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نشر نی.
۱۰. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک (رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی)»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. جلالی‌پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
۱۲. چلبی، مسعود (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
۱۳. حیدری، محمدحسین و ستاره موسوی (۱۳۸۹)، «سیر اجمالی بر مبانی نظری انسان‌دوستی از منظر آیات و روایات و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن»، مجله مطالعات اسلامی در علوم رفتاری، سال اول، شماره ۲، قم.

۱۴. دال، رابرت (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، آگاه.
۱۵. دشتی، علی (۱۳۷۶)، «دیالکتیک انضباط و خودجوشی نقش نظریه انقلابی ساندنیست‌ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی»، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۳، تهران.
۱۶. دورکیم، امیل (۱۳۸۷)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم.
۱۷. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش.
۱۸. روشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات تیان.
۱۹. زیمل، جرج (۱۳۷۲)، «کلان شهر و حیات ذهنی»، ترجمه یوسف ابادری، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، جلد دوم، شماره ۳، تهران.
۲۰. ساروخانی، باقر و دودمان، لایلا (۱۳۸۹)، «ساخت قدرت در خانواده و تأثیر آن در مشارکت اجتماعی در شهر شیراز»، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره اول، تهران.
۲۱. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۳)، روانشناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
۲۲. _____، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ دوم، تهران، آوای نور.
۲۳. سراج‌زاده، حسین و [دیگران] (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه دینداری و بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس)»، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال دوم، شماره پنجم، تهران.
۲۴. سفیری، خدیجه و صادقی، مریم (۱۳۸۸)، «مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، جامعه‌شناسی کاربردی»، سال بیستم، شماره ۳۴، اصفهان.
۲۵. شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۹)، لیبرالیسم و اسلام، فصلنامه کتاب نقد، سال یازدهم، ش ۵۱-۵۰، تهران.
۲۶. شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
۲۷. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱، تهران.
۲۸. صدقاتی‌فرد، مجتبی (۱۳۸۸)، «مطالعه بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مورد پژوهش، شهر تهران)»، رشته جامعه‌شناسی، تهران، واحد علوم و تحقیقات.
۲۹. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله و عنبری، موسی (۱۳۸۳)، «باورهای خرده‌فرهنگی و مشارکت امدادی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، تهران.
۳۰. _____، (۱۳۶۹)، «انسان و شهرنشینی»، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، جلد دوم، شماره ۱-۱۱، تهران.
۳۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی المطبوعات.
۳۲. طباطبایی‌فر، سیدمحسن (۱۳۹۰)، «امر به معروف و نهی از منکر در فقه سیاسی شیعه»، مجله علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۵۴، قم.
۳۳. عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «زنان و نهادهای مدنی مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، تهران.
۳۴. قلی‌زاده، آذر و رجیبی، طیبه (۱۳۹۲)، «نقش امر به معروف و نهی از منکر در بهبود سرمایه اجتماعی دانشجویان دختر»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال چهاردهم، شماره ۲۲، تهران.

۳۵. کرایب، یان (۱۳۸۹)، نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی از پارسونز تا هابرماس، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، سروش.
۳۶. کلینی رازی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، جلد ۲.
۳۷. کوزر، لوئیس (۱۳۸۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۳۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۳۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
۴۰. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، «بیگانگی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲، جلد ۲، تهران، دانشگاه تهران.
۴۱. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، تهران، انتشارات شورای فرهنگ عمومی.
۴۲. محمدی، حمیده و شیخ‌الاسلامی، راضیه (۱۳۹۲)، «نقش ارزش‌های فرهنگی در پیش‌بینی نوع دوستی با واسطه‌گری مسئولیت‌پذیری در دانشجویان دانشگاه شیراز»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سوم، شماره چهارم، شیراز.
۴۳. معیدفر، سعید و دربندی، سیدعلیرضا (۱۳۸۵)، «بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه شهروندان تهرانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۳، تهران.
۴۴. میرزاپوری، جابر (۱۳۹۴)، بررسی جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش، شهر بابل)، رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
۴۵. _____، (۱۳۹۶)، بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران، چاپ دوم، قم، زمزم هدایت.
۴۶. نوروزی، فیض‌الله و بختیاری، مهناز (۱۳۸۸)، «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۵۳، تهران.
۴۷. همیلتون، ملکم (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۴۸. یزدان‌پناه، لیللا (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، تهران.
49. Berkowitz, L (1972), Social Norms, Feeling and Other Factors Affecting Helping and Altruism In L, Berkowitz(dir) Advances in experimental Social psychology(vol 6) Newyork, Academic press.
50. Coffield, K, E(1981). Student apathy: A Comparative Study. Teaching of Psychology, 8: 1.
51. Coleman, J(1988). Social Captial and the Creation of Human Captial. American Journal of Sociology. 94.
52. Elwell, F(2002), The sociology of wright Mills, Qualitative Sociology, 25(3), pp 337-343.
53. Greeley, A(1997). Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social

- Capital. American Behavioral Scientist. 40. (5).
- 54 .Marsh, David & Therese O' Toole and Su Jonen(2007), Young people and politics in the UK: Apathy or Alienation? PALGRAVE MACMILLAN, Houndmills, Basingstoke, Hampshire RG21 6XS and 175 Fifth Avenue, New York, N.Y.
 - 55 .Moghaddam, F(1998), Social Psychology, exploring universals across Culture, New York, W.H. Freeman and Company.
 - 56 .Myers, D, G(1990), Social psychology, New York, McGraw-Hill Publishing company.
 - 57 .Parsons, talcott and Robert f. bales(1955), family, socialization and interaction process. The free press. New York.
 - 58 .Piliavin, J, A. Charng, H, W(1990), Altruism: A Review Of Recent Theory and Research, Annual Review Of Sociology, 16: 25-56.
 - 59 .Putnam, R. D(2000). Bowling Alone: the collapse and revival of American community, Simon and Schuster, New York.
 - 60 .Scott, N. Seglow, J, Altruism(2007), New York, Mc Graw-Hill.
 - 61 .Simons, R, G(1991), Altruism and Sociology, The sociological Quarterly, 32, 1-22.
 - 62 .Smidt, C. (2003), Religion, Social Capital, and Democratic Life: Concluding Thoughts" in Corwin Smidt (Ed.), Religion as Social Capital: Producing the Common Good. Waco, Texas: Baylor University Press, Pp. 211-222.
 - 63 .Wiggins, J. Wiggins, B. Zanden, J, V(1994), Social Psychology, New York, Mc Graw-Hill publishing company.